

تعليق اجرای مجازات به شرط کمک به هم‌وطنان زلزله‌زده کرمانشاه*

«در راستای افزایش احساس نوع‌دوستی که خود یک نوع آموزش اخلاقی جهت ارتقاء و ترویج روش صحیح زندگی در اجتماع می‌باشد و کمک به هم‌وطنان زلزله‌زده حادثه اخیر در استان کرمانشاه نسبت به تهیه وسایل گرمایشی اقدام نماید.»

واژگان کلیدی: حبس، جزای نقدی، تعلیق مراقبتی، احساس نوع‌دوستی، هم‌وطنان زلزله‌زده

متن رأی^۱

«در خصوص اتهام آقای ...فرزند... متولد ۱۳۷۳، شیعه، مجرد، فاقد سابقه کیفری موثر، آزاد با صدور قرار قبولی کفالت دایر بر مشارکت در نگهداری یک گرم و بیست و پنج سانت هرئین و بیست سانت شیشه موضوع کیفرخواست شماره ۹۶۱۰۴۳۶۶۳۶۰۰۱۴۱۴ صادره از دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان کوه‌دشت دادگاه با توجه به گزارش مرجع انتظامی و صورتجلسه کشف مواد و برگ توزین مواد مخدر و اظهارات متهم مبنی بر اینکه آقای... مواد را به وی داده و گفته است

* نویسنده یادداشت:

ابوالقاسم فلاحي (دانشجوی دکتری حقوق جزا دانشگاه شهید مطهری، وکیل پایه یک دادگستری)
Email: Ab.fallahi@gmail.com

۱ - دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۶۶۳۳۶۸۰۰۳۵۸ مورخ ۱۳۹۶/۰۸/۲۷ دادگاه انقلاب شهرستان کوه‌دشت

چند لحظه آن را بگیر که در همین لحظه مأمورین وی را بازداشت کرده‌اند و سایر قرائن و امارات موجود در پرونده وقوع بزه و صحت انتساب آن به متهم محرز و مسلم تشخیص و مستنداً به بند ۳ ماده ۸ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر نامبرده را به تحمل دو سال حبس تعزیری و پرداخت بیست میلیون ریال جزای نقدی در حق صندوق دولت و تحمل ۴۰ ضربه شلاق تعزیری با احتساب ایام بازداشت قبلی محکوم می‌نماید لیکن با توجه به فقدان سابقه کیفری متهم و جوان بودن وی و پیش‌بینی اصلاح وی در آینده و تعهد نامبرده مبنی بر عدم ارتکاب جرم عمدی و با عنایت به معایب مجازات حبس و جلوگیری از انگ مجرمانه بر فرد و بازگشت وی به اجتماع در آینده مجازات حبس وی را به مدت یکسال مستنداً به مواد ۴۰ و ۴۱ و ۴۲ و ۴۳ و ۴۶ و ۵۰ و ۵۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ به حالت تعلیق مراقبتی درآورده تا با توجه به تعهد نامبرده مبنی بر انجام دستور دادگاه در طی ۴۸ ساعت از تاریخ ابلاغ رأی و در راستای افزایش احساس نوع دوستی که خود یک نوع آموزش اخلاقی جهت ارتقاء و ترویج روش صحیح زندگی در اجتماع {می‌باشد} و کمک به هم‌وطنان زلزله‌زده حادثه اخیر در استان کرمانشاه {نسبت} به تهیه وسایل گرمایشی به مبلغ حداقل پنجاه میلیون ریال و تحویل آن به مراجع ذیربط در اسرع وقت اقدام و رسید آنرا تحویل اجرای احکام کیفری نماید تا در صورت عدم ارتکاب جرم عمدی و انجام دستورات دادگاه و رعایت تدابیر قانونی محکومیت وی بلااثر گردد بدیهی است که مجازاتهای جزای نقدی و شلاق به قوت خود باقی است رأی صادره حضوری بوده و ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم تجدیدنظر استان لرستان می‌باشد. پرونده در خصوص متهم دیگر مفتوح به رسیدگی است.»

شرح موضوع

در این پرونده جوانی ۲۳ ساله در شهرستان کوهدشت لرستان به اتهام مشارکت در نگهداری مقداری مواد مخدر از نوع هروئین و مت‌آمفتامین (شیشه) تحت تعقیب قرار گرفته است. پس از انجام تحقیقات مقدماتی با صدور کیفرخواست از دادسرا پرونده برای رسیدگی به شعبه دادگاه انقلاب شهرستان کوهدشت ارسال شده است. دادگاه پس از رسیدگی و احراز بزهکاری مرتکب، با توجه به فقدان سابقه کیفری متهم و جوان بودن وی و پیش‌بینی اصلاح وی در آینده و تعهد نامبرده بر عدم ارتکاب جرم عمدی و با در نظر گرفتن معایب مجازات حبس و با هدف اصلاح و بازگشت وی به اجتماع در آینده، اجرای مجازات حبس وی را به حالت تعلیق مراقبتی درآورده و ضمناً در راستای افزایش احساس نوع‌دوستی و ترویج روش صحیح زندگی در اجتماع، دستور داده که متهم در راستای کمک به هم‌وطنان زلزله‌زده حادثه اخیر در استان کرمانشاه نسبت به تهیه وسایل گرمایشی به مبلغ حداقل پنجاه میلیون ریال اقدام نماید.

مسائل شکلی

دادنامه از نظر بایسته‌های شکلی پیش‌بینی شده در مواد ۳۷۴ الی ۳۷۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ تقریباً دقیق و بدون اشکال تنظیم شده است:

۱. رأی مستدل، موجه و مستند به مواد قانون و اصول حقوقی صادر شده است. توجه به دلایل، قرائن و امارات مثبت اتهام شامل گزارش مرجع انتظامی، صورتجلسه کشف و برگ توزین مواد مخدر، اظهارات متهم مبنی بر این که یک نفر مواد را به وی داده است (دلالت بر اقرار متهم بر نگهداری مواد مخدر مکشوفه) چارچوب استدلالی دادنامه را تشکیل داده است. مواد قانونی مربوط به تعیین مجازات برای نگهداری مواد مخدر (بند ۳ ماده ۸ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر) و نیز تعلیق اجرای مجازات (مواد ۴۰ و ۴۱ و ۴۲ و ۴۳ و ۴۶ و ۵۰ و ۵۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲) مورد استناد قرار گرفته است؛ هر چند

بهتر بود که در مقام اصل صدور رأی نیز به ماده ۳۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ استناد می‌شد. همچنین، اشاره به فقدان سابقه متهم و پیش‌بینی اصلاح وی در آینده و جلوگیری از برچسب خوردن به وی موجب تقویت مبانی توجیهی رأی شده است.

۲. دادگاه در رأی، حضوری یا غیابی بودن و قابلیت تجدیدنظرخواهی و مهلت و مرجع آن را به درستی قید نموده است.

۳. دادگاه در رأی به احتساب ایام بازداشت قبلی محکوم اشاره نموده است؛ هر چند که میزان ایام بازداشت قبلی را محاسبه نکرده است. با این وجود، این امر خللی به درستی دادنامه وارد نمی‌کند، چون در اجرای ماده ۵۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ چنانچه قاضی صادرکننده حکم، ایام بازداشت قبلی را محاسبه نکرده باشد، قاضی اجرای احکام کیفری به احتساب این ایام اقدام می‌کند.

۴. موارد پیش‌بینی شده در ماده ۳۷۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ شامل شماره پرونده، شماره و تاریخ دادنامه و تاریخ صدور رأی، مشخصات دادگاه و قاضی صادرکننده رأی و سمت وی، مشخصات متهم و متن کامل رأی در دادنامه درج شده، اما گردش کار درج نشده است که متأسفانه این امر در دادگاههای کیفری دو تبدیل به یک رویه متداول شده است.

۵. موارد معدودی از عدم رعایت اصول نگارشی در دادنامه مشاهده می‌شود؛ از قبیل، جمع بستن واژه فارسی «دستور» با نشانه جمع عربی «ات» به صورت «دستورات»؛ افزودن نادرست تنوین به واژه «مستند» به صورت «مستنداً» و مورد آخر آن که دو کلمه «می‌باشد» و «نسبت» در سطر دوازدهم دادنامه از قلم افتاده که بعداً با خودکار اضافه شده است.

مسائل ماهوی

دادنامه مورد بررسی از نظر ماهوی مبتنی بر مبانی عمیق جرم‌شناسی و کیفرشناسی بوده و بسیار ارزنده و آموزنده است. مهم‌ترین مواردی که در بُعد ماهوی دادنامه می‌توان ذکر کرد به شرح ذیل می‌باشد:

۱. عنوان اتهامی مشارکت در نگهداری مواد مخدر است که با توجه به میزان مواد (مجموعاً یک گرم و چهل و پنج سانت) و مجازات قانونی آن (مجازات اشد شامل دو تا پنج سال حبس)، مطابق ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ از درجه ۵ محسوب می‌شود و طبق ماده ۴۶ (قابلیت تعلیق مجازات‌های تعزیری از درجه سه تا هشت) و با رعایت بند «ت» ماده ۴۷ (قابل تعلیق نبودن مجازات جرم قاچاق عمده مواد مخدر یا روان‌گردان) مجازات‌های جرم انتسابی قابل تعلیق می‌باشد.

۲. قاضی صادرکننده رأی با وجود جوان بودن (بر اساس شناخت قبلی نگارنده از ایشان)، درک عمیقی از مبانی نوین حقوق جزا و جرم‌شناسی و شناخت درستی از بزهکار و فلسفه مجازات داشته است. به نظر قاضی صادرکننده رأی، مرتکب جرم نه یک موجود فاسد و ضداجتماعی بالفطره، بلکه یک انسان اجتماعی طهیرالفطره است که ارتکاب جرم او را موقتاً از راه راست منحرف کرده است و با روش صحیح می‌توان مجدداً او را اصلاح و درمان کرد و به جامعه بازگرداند. از این منظر، قاضی مجازات را بیشتر عاملی برای اعاده نظم جامعه و تربیت و اصلاح و درمان بزهکار می‌داند تا تظاهری از انتقام و سرکوب و یا اجرای عدالت. با لحاظ این موارد، قاضی در رأی خود از تدابیر اصلاحی و حمایتی نظیر تعلیق اجرای مجازات بهره گرفته تا به مرتکبی که فاقد سابقه مؤثر کیفری بوده است، برچسب بزهکار زده نشود و از عواقب چشیدن طعم تلخ و زیان‌بار زندان مصون بماند و بستر لازم برای بازگشت وی به جامعه فراهم شود.

۳. قاضی صادرکننده رأی با مشروط کردن تعلیق اجرای مجازات به کمک به هم‌وطنان زلزله‌زده با تهیه وسایل گرمایشی توسط محکوم‌علیه به هزینه خودش، در واقع، هم پاسخ

مناسبتی به انگیزه ارتکاب جرم نگهداری مواد مخدر (احیاناً برای فروش و کسب سود) داده و هم مجازات را تبدیل به یک مفهوم اخلاقی می‌کند و مرتکب را به انجام کاری اخلاقی فرا می‌خواند. مهم‌تر از همه این که قاضی، وظیفه اخلاقی خود را به نحو احسن ایفا می‌کند و قلمش را به یاد آسیب‌دیدگان ناشی از زلزله اخیرالوقوع در غرب کشور حرکت می‌دهد. این اقدام انسانی و پسندیده که با وقت‌شناسی همراه شده است، قابل توجه به نظر می‌رسد.

۴. دادنامه در کنار محاسن و نقاط قوت مذکور، دو ایراد فنی و ماهوی در دل خود دارد: یکی تعیین میزان جزای نقدی خارج از تناسب قانونی و دیگری مستثنی نمودن مجازات‌های جزای نقدی و شلاق از شمول تعلیق.

مجازات‌های پیش‌بینی شده در قانون مبارزه با مواد مخدر باید بر اساس اصل تناسب تعیین شود؛ یعنی میزان حبس یا جزای نقدی یا شلاق می‌بایست به تناسب میزان مواد مخدر موضوع جرم تعیین گردد. از این نظر، مجازات جزای نقدی تعیین شده تا حدی خارج از تناسب قانونی پیش‌بینی شده به نظر می‌رسد. توضیح آن که مطابق بند ۳ ماده ۸ قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ (اصلاحی ۱۳۸۹) مجازات نگهداری هروئین و شیشه، بیش از یک گرم تا چهار گرم، از هشت میلیون تا بیست میلیون ریال جریمه نقدی و دو تا پنج سال حبس و سی تا هفتاد ضربه شلاق می‌باشد. یعنی باید برای حداقل مواد (بیش از یک گرم) حداقل جریمه نقدی (هشت میلیون ریال) تعیین شود. در حالی که در دادنامه برای حداقل مواد (بیش از یک گرم)، حداکثر جریمه نقدی (بیست میلیون ریال) تعیین شده است. اهمیت این مسئله زمانی مشخص می‌شود که مشاهده می‌شود دادگاه جزای نقدی را از شمول تعلیق مستثنی نموده است، یعنی باید منجزاً توسط محکوم‌علیه پرداخت شود. در شرایطی که قاضی از یک سو به جلوگیری از برجسب‌زنی مجرمانه به متهم نظر دارد و از سوی دیگر، در راستای احیای شخصیت اجتماعی و آموزش شیوه زندگی نوع‌دوستانه او را ملزم به تهیه وسایل گرمایشی برای کمک به هم‌وطنان زلزله‌زده به مبلغ حداقل پنجاه میلیون ریال نموده است، دیگر مستثنی نمودن پرداخت جزای نقدی در حق دولت از شمول تعلیق،

منطقي به نظر نمی‌رسد و بهتر بود جزای نقدی را که عملاً به جای پرداخت به دولت به زلزله‌زدگان پرداخت خواهد شد، مانند حبس معلق می‌نمود. حتی مستثنی نمودن مجازات شلاق از شمول تعليق نیز با نظریه برجسب‌زنی هم‌خوانی و سازگاری ندارد. بدیهی است که مفهوم مخالف ماده ۵۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مجوز تعليق مجازات‌های تعزیری متعدد را به قاضی عطا کرده است.

